

## این جنایت بی جواب نخواهد ماند

آذر مدرسی

بیش از ده روز از فاجعه انسانی در افغانستان میگذرد و هنوز جهان در شوک این فاجعه، در شوک شکست پروژه «مبارزه با تروریسم» امریکا و فروپاشی و ریزش دولت موازیکی و پوشالی افغانستان به سر میبرند. با گذشت ده روز از ورود وحوش طالبان به کابل، مردم متمدن و انساندوست جهان هنوز در غم، شوک و بهت و حیرت به سر میبرند. علیرغم تلاش همه مسببین و عاملین این جنایت در فرار از زیر بار مسئولیت و پاس دادن گناه به دولت افغانستان، یکبار دیگر سیاستهای میلیتاریستی امریکا و ناتو، چه در دوره جنگ سرد و چه امروز، چهره کریه خود را به نمایش گذاشت! و این روزها عواقب ویرانگر این سیاستها بر زندگی میلیونها انسان و چندین نسل در اقصی نقاط کره خاکی و نابود کردن آمال و آرزوهای انسانی میلیونها نفر همراه هر مدنی، و بالاخره بازگرداندن جوامعی مانند افغانستان به عهد بربریت اسلامی و تبدیل آنها به محیط ارتزاق انواع باندهای جنایی و مافیای اسلامی- قومی، را به مهمترین مسئله بشریت متمدن تبدیل کرده است. ابعاد این «افتضاح» سیاسی- نظامی غرب، ابعاد فاجعه انسانی چنان گسترده است که علیرغم تلاش دولت امریکا و متحدینش برای «عادی» نشان دادن اوضاع، اینبار حتی دست راستی ترین میدیا، این دستگاه تبلیغات جنگی و هوراکشان حمله به افغانستان و «مبارزه با تروریسم» امریکا، نتوانستند تصاویر مردم فراری از این جهنم دست ساز امریکا، غرب و طالبان را زیر آوار اخبار جنگ و کشتار و جنایات دیگر در چهار گوشه دنیا مخفی کنند و اخبار آن را از صدر اخبار فاجعه بار دنیا، خارج کنند. نتوانستند دامنه سانسور خبر هزاران اعتراض در سرتاسر جهان علیه این جنایت، دادخواهی مردم متمدن در سرتاسر جهان علیه به خون کشیدن زندگی میلیونها نفر در افغانستان، را زیر سنگینی فاجعه در افغانستان به حاشیه برانند. دستگاه بی آبروی تبلیغات جنگی و مهندسی افکار عمومی به اندازه سران امریکا و اروپا و ناتو، از فروریختن سناریوی بیست ساله خود شوکه شده اند و قادر به «مدیریت» لاپوشانی ابعاد این بحران و فاجعه نیستند. یکبار دیگر مردم جهان به سیاستهای امریکا نه فقط در بیست سال گذشته که پیش از آن نگاه برق آسایی انداختند و آنها را هم مرور کردند. سیاست امریکا در دوره جنگ سرد و مسلح کردن مجاهدین در افغانستان در مقابل دولت پرو روسیه، تقویت ارتجاعی ترین و کثیف ترین نیروها در افغانستان و قطع کردن پروسه مبارزه اجتماعی مردم افغانستان برای خلاص شدن از دولت نجیب الله، باز کردن دست جنبش اسلام سیاسی و نیروهای متوحش و هار آن تحت نام «رهبر» اعتراضات اجتماعی و انقلابات در خاورمیانه پیش زمینه جهنمی است که... صفحه ۴

- کارگران جهان متحد شوید!

## «کنگره سراسری شوراهای مردمی»

### طرحی برای به قدرت رساندن کدام نیرو؟

از حکمتیست میپرسند؛



مقدمه: حزب حکمتیست (خط رسمی)، سیاستها و اقداماتش مورد سوال قرار میگیرد و تعدادی در این موارد اظهار نظر می کنند و یا انتقاداتی مطرح می کنند. نشریه حکمتیست در هر شماره یک یا چند مورد از این سوالها را انتخاب می کند و با توجه به مضمون و محتوا، آنها را با رهبری حزب در میان می گذارد و پاسخهای آنها را، تحت عنوان «از حکمتیست می پرسند»، منتشر می کند.

در این شماره یکی از این سوالات را با ثریا شهابی از رهبری حزب، در میان گذاشته ایم.

حکمتیست: «کنگره سراسری شوراهای مردمی» از جانب حزب حکمتیست (خط رسمی) به عنوان تنها آلترناتیو مردمی که ضامن دخالت همگانی مردم ایران در تعیین سرنوشت خود و در فریاد پس از جمهوری اسلامی است، اعلام شده است. از حزب سوال شده است که منظور از پاراگراف آخر این سند، چی است؟ که میگوید:

«حزب حکمتیست (خط رسمی)، بعنوان یک حزب کمونیستی که برای انقلاب کارگری مبارزه می کند، تنها راه شرکت و دخالت در قدرت سیاسی را برای خود، از طریق شرکت در به قدرت رسیدن ارگانهای مردمی، ارگانهای دمکراتیک شوراهای مردمی می داند و تلاش خواهد کرد که تنها آلترناتیو رادیکال و موجود جامعه ایران، یعنی «کنگره سراسری شوراهای مردمی»، را به قدرت نزدیک کند!» ... صفحه ۲

## اسب ها در سربالایی همدیگر را گاز می گیرند!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

## محکمه قبل از طوفان

فواد عبداللہی

حدود یک سال و نیم پس از تأیید رسمی شیوع ویروس کرونا، واکسیناسیون عمومی کرونا در ایران از بسیاری کشورهای جهان عقب تر است و گفته می شود میزان واکسن های تزریق شده از سوی وزارت بهداشت، تاکنون تنها یک نهم جمعیت را پوشش داده است. خامنه ای در ۱۹ دی ماه ۱۳۹۹ و زمانی که بسیاری از کشورها برای خرید واکسن های معتبر جهانی در رقابت بودند، در یک سخنرانی زنده تلویزیونی اعلام کرد: «ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی کرونا ممنوع است.» به دنبال این موضع گیری، نه تنها مقامات وزارت بهداشت برای خرید و واردات واکسن های تأیید شده کرونا تلاشی نکردند بلکه این حکم حکومتی سبب شد تا کمک های چند سازمان خیریه بین المللی که به دنبال فرستادن واکسن فایزر به ایران بودند عملاً متوقف شود.

از منظر افکار عمومی، مسئول مستقیم این فاجعه و ادامه این وضعیت اسف بار به گردن شخص رهبر و دستگاه حاکمیت بعنوان خاطی و مجرم ردیف اول در بالا گرفتن بحران مرگ و میر ناشی از کرونا در ایران است. در چند هفته گذشته و همزمان با افزایش شمار جانباختگان بر اثر کرونا میزان خشم عمومی از ناتوانی جمهوری اسلامی در مهار کرونا هم افزایش یافته است.

مرگ و میر به حدی است که حتی تعدادی از وکلای برجسته دادگستری به تاریخ ۲۳ مردادماه در یک اقدام بی سابقه اقدام به تنظیم شکواییه علیه خامنه ای و سران حاکمیت به اتهام کوتاهی در تهیه موقوع واکسن و مهار کرونا کرده اند و درخواست کرده اند که مسببین واقعی بالا گرفتن این کشتار به دادگاه کشیده شوند و پاسخگو باشند. ... صفحه ۵

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

میپرستند که حزب برای شرکت و دخالت در این «آلترناتیو مردمی پس از جمهوری اسلامی»، یا روند تغییر قدرت سیاسی از جمهوری اسلامی به «نظام آتی»، روندی که قرار است تحت رهبری نهادی بنام «کنگره سراسر شوراهای مردمی» صورت بگیرد، کجای تصویر است؟ حزب حکمتیست (خط رسمی) کجای روند این تغییرات قرار میگیرد؟

ثریا شهابی: برای پاسخ به این سوال ابتدا لازم است به روشنی درک کرد که این طرح چه هست و چه نیست! این طرحی برای به قدرت رساندن هیچ نیروی و هیچ قدرتی نیست! به طریق اولی طرح به قدرت رسیدن حزب ما نیست! نه به این معنی که گویا ما نمی خواهیم و اشتباهی گرفتار قدرت در سیر سرنوشتی جمهوری اسلامی و در فردای آن را نداریم و یا امروز وقتش نرسیده است، که هم اشتباهی آن را داریم و هم امروز هم وقتش رسیده است. این مسئله ای است که سعی میکنم در ادامه و در دل این بحث، مختصراً در مورد آن توضیح دهم.

طرح «کنگره سراسری شوراهای مردمی» برای باز کردن راه پیروزی یک جنبش و یک قدرت معین است تا به قدرت رساندن این و آن حزب یا این سازمان و آن شخصیت، نقشه ای برای باز کردن راهی در سیر خلاصی از جمهوری اسلامی است که همه مردم، نیروها و سازمان ها و احزاب و .. بتوانند از طریق آن، که از نظر ما سالم ترین، متمدانه ترین و آزادیخواهانه ترین راه است، در سرنوشت خود دخالت کنند و برای آینده ایران، آینده خود و فرزندانمان، تصمیم بگیرند! طبعاً در این سیر، در سیر «اجرایی شدن» این طرح و در دل آن، هر حزب و سازمان و نیرویی حق دارد و طبیعی است که سعی کند برنامه های خود را پیش ببرد. این شامل حزب ما هم میشود. این طرح برای فراهم کردن آزادانه ترین، آگاهانه ترین و مردمی ترین شرایط برای عبور از جمهوری اسلامی و برای «تعیین نظام آتی» است. طرحی است که در آن «کاراکتر» و پدیده ای که این شرایط را بوجود میآورد، نیرو و قدرت جنبشی است که بیش از چهار سال است در جامعه ایران مشغول ایفای نقش است و خلاصی از جمهوری اسلامی حاصل عملکرد آن است، نه عملکرد جنبش طرفداران تحریم اقتصادی و «رژیم چینج» و یا عملیات «ماهواره ای» جریانات باند سیاهی قومی - مذهبی چون مجاهد!

طبعاً در پایان پروسه به قدرت رسیدن «کنگره سراسری شوراهای مردمی» که یک قدرت و یک «حکومت موقت» است و طرح ما آن را شش ماه تعیین کرده است، مردم در ایران برای تعیین «نظام آتی» خود، شامل قانون اساسی، ساختار سیاسی و اقتصادی و .. تصمیم میگیرند. وظیفه «کنگره سراسری شوراهای مردمی» در وهله اول اداره جامعه در سراسر ایران، تامین رفاه و آزادی و امنیت برای همه شهروندان جامعه، در سیر سرنوشتی و خلاصی از جمهوری اسلامی است و طی شش ماه فراهم کردن فرصت آزادانه (به معنی آزادی از اختناق و فقر، خطرات نظامی، و نه فقط آزاد از ولایت فقیه و شخص خامنه ای و این و آن باند قدرت)، تا در مورد نظام آتی تصمیم گرفته شود. ما انتهای این فرصت آزادانه و مردمی را شش ماه پس از به قدرت رسیدن «کنگره سراسری شوراهای مردمی» و اداره جامعه در تمام سطوح توسط آن گذاشته ایم، و تا برگزاری «کنگره موسس حکومت آتی»!

طبعاً حزب ما هم امروز در سیر خلاصی از جمهوری اسلامی و هم در روند به قدرت رسیدن «حکومت موقت شوراهای سراسری مردمی» و هم در «کنگره موسس حکومت آتی»، مبارزه و تلاش میکند برنامه های خود برای شکل دادن به یک حکومت کارگری را دنبال و پیاده کند. به این معنی، به هر میزان و در هر لحظه که بتواند، تلاش میکند که خود را از طریق این مکانیزم های دموکراتیک، به قدرت سیاسی نزدیک کند و به قدرت برساند. بسته به سرعت سیر جدالهای سیاسی و عمق تحولات، این روند میتواند و ممکن است خیلی سریع باشد!

تصمیم مردم در شوراهایشان، میتواند حکومت کارگری باشد که ما میخواهیم و برایش تلاش می کنیم و میتواند هر حکومت دیگری باشد!

«هر حکومتی» که از طریق این مکانیزم مورد انتخاب مردم در ایران قرار گیرد! مکانیزمی که متکی به شرایطی است که در طرح مطرح شده است! یعنی تامین وسیع ترین آزادی های سیاسی و اجتماعی و کمترین فشار اقتصادی و نظامی و ... که ما به آن تامین وسیع ترین «آزادی، رفاه و امنیت» ممکن، که به قدرت مردم اعمال میشود، میگوییم! تنها چنین حکومتی میتواند حکومت قانونی ایران بدون جمهوری اسلامی باشد. ما تلاش میکنیم و امیدواریم این حکومت قانونی یک حکومت کارگری باشد که سوسیالیسم و دموکراسی شورایی را جایگزین نظام کاپیتالیستی موجود و روینای گنبدیده سیاسی امروز آن میکند! ما معتقدیم که شانس ما و جنبش ما بسیار بیشتر از همه جنبش ها و احزاب رقیب در کمپ راست است. طرح ما، طرحی برای باز کردن راه پیشروی و به پیروزی رساندن جنبش حی و حاضری است که در میدان است. جنبشی که یک قطب بزرگ و مهم آن، جنبش کارگری است که امروز از چپ تا راست، از پوزیسیون تا اپوزیسیون حضور و قدرت و میدان داری آن را دیده است و پذیرفته است و به سادگی همیشگی نمی توان سرش را زیر آب کرد! جنبشی که هم رفاه و زندگی انسانی میخواهد و هم راه اعمال اراده اش برای تحقق خواست هایش را انتخاب کرده است! و آن نه «دموکراسی پارلمانی» و انتخابات های نیابتی از بالای سر خود، که «دموکراسی شورایی»، دموکراسی مستقیم و مردمی و از پایین است! نام آن را «مدیریت شورایی» گذاشته است! این یک پدیده واقعی است که امروز دست راستی ترین رسانه های جهانی، همچون برنامه های صدای آمریکا و بی بی سی و نشریات قانونی و مجاز حکومتی در ایران، ناچاراً وجود آن را به رسمیت شناخته اند. جامعه به چشم خود می بیند که طبقه کارگر و همچنین مردم در بسیاری از اعتراضات، به مجامع عمومی رجوع میکنند! با آنها مذاکره و صحبت میشود و تصمیمات جمعی آنها به خود و به جامعه و به مقامات اعلام میشود و حکومت و مقامات و رسانه ها و ... ناچار هستند که در مقابل این تصمیمات که در چنین مکانیزمی اتخاذ شده است، جواب دهند و عکس العمل نشان دهند!

«کنگره سراسری شوراهای مردمی» ظرف متشکل و متحد کردن همین جنبش موجود است، که باید بلافاصله و به محض ضعیف شدن قدرت حاکمه، و به محض فراهم شدن شرایط، قدرت سیاسی در ایران را بگیرد! این بالاترین ارگان سراسری است که از طریق آن شهروندان در سیاست (که امری مربوط به زندگی مردم است و نه شغلی برای سیاستمداران) در همه سطوح آن، ماکرو و میکرو، سراسری و محلی، دخالت می کنند! در شوراهای متکی به مجامع عمومی منظم و سازمان یافته شان، بحث و تبادل نظر میکنند و سرانجام تصمیم میگیرند و خود تصمیمات خود را اجرا می کنند! این آن جنبش شورایی موجود و پایه طرحی است که حزب ما مطرح کرده است! نه برای خودش و این و آن حزب، که برای جامعه و برای به پیروزی رساندن همین مجامع عمومی و «مدیریت شورایی» است که وجود دارد و دارد عمل میکند! جنبشی که امروز به خاطر اختناق ابعاد موجودیت و دامنه عمل آن را با «چشم غیرمسلح»، نمی توان دید! برای درک این طرح و دیدن مکان احزاب و شخصیت های جنبش کارگری و جنبش های مردمی در دل آن، و همچنین مکان و شانس حزب ما، باید آن را در کنار انواع و اقسام طرح هایی گذاشت که بنام طرحی برای «همگان» پیروزی «دموکراسی» پارلمانی را تبلیغ و ترویج میکنند، و در دل آن ها احزاب و سازمان ها و شخصیت های راست به قدرت می رسند!

خلاصه کنم این طرحی برای به قدرت رساندن کسی و نیرو و قدرتی نیست! و در عین حال طرح به قدرت رساندن نیرو و نیروهایی است که میتوانند در دل یک مبارزه سیاسی سالم تلاش کنند خود را برای پیاده کردن برنامه های سیاسی - طبقاتی که برایش تشکیل شده اند، به قدرت سیاسی نزدیک کنند. حزب ما هم در دل این طرح تلاش می کند که نیرو و طبقه معینی به قدرت برسد! ما نه ناظر بی طرف هستیم و نه بی هویت و اینکه فقط نظاره گر هستیم و مثل نیروهای تشکیل دهنده شورای مدیریت دوران گذار و ... ریاکارانه ادعا کنیم که تنها شرایط را تسهیل میکنیم و خود نمی خواهیم به قدرت برسیم! این همان «دموکراسی شورایی» و مستقیمی است که مردم در آن بحث میکنند و



پایه حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراها است

## اسب‌ها در سربالایی همدیگر را گاز می‌گیرند!

هک دوربین‌های امنیتی زندان اوین و انتشار ضرب و شتم زندانیان به دست ماموران زندان، یکی دیگر از جلوه‌های غم‌انگیز وضعیت زندانیان در زندان‌های جمهوری اسلامی در این چهل سال در ایران است. اعترافات قلابی، سناریوسازی‌های جعلی و سوخته، دادگاه‌های نمایشی زندانیان سیاسی که از زندان‌ها و میدان‌های اعدام سر درآورده‌اند. توهین، بی‌حرمتی و آزار و اذیت زندانیان «عادی»، زندگی در سلول‌ها و زندان‌های زیر استاندارد بشری و ... داستان زندگی هزاران زندانی در سیاهچال‌های این رژیم است.

گروهی تحت نام «عدالت‌علی» مسئولیت هک کردن دوربین‌های زندان و انتشار تصاویر را به عهده گرفته است. در تصاویری که روز یکشنبه ۳۱ مرداد (۲۲ اوت) منتشر شدند، دیده می‌شود که به هنگام هک شدن دوربین‌ها روی مانیتورهای نظارتی اتاق کنترل اوین جمله‌ای با این مضمون نقش بسته است: «زندان اوین لکه ننگی بر عمامه سیاه و ریش سفید رئیس»!

هر ناظر عادی با نیم‌نگاهی به نام و مواضع این «گروه» پی می‌برد که هدف از این نوع افشاگری‌ها در واقع فشار جناح‌های رانده شده از حاکمیت علیه جناح در قدرت است؛ این نوع فشارها و «افشاگری»های نیم‌بند و قسطی، مطلقاً کل واقعیت را بازگو نمی‌کنند. قساوت و شقاوت در جمهوری اسلامی تنها لکه ننگی بر پیشانی شخص رئیسی و جناح ایشان نیست، بلکه نقطه اشتراک کل جناح‌ها و دسته‌بندی‌های حاکمیت اسلامی است که از روز اول، از «اصلاح‌طلب» تا اصولگرا، از مدافعان «عدل‌علی» و یک «جمهوری اسلامی تعدیل شده» تا «دانشجویان عدالتخواه و خط امامی»، از آخوندهای «اهلی» و «ایرانی‌زده شده» تا «محور مقاومتی»هایی که تن کریه خود را در زورق «قانون» پچانده‌اند، همه به نوعی در معماری این بنای جنایت و خوف دست داشته‌اند.

عاملی که امروز در درون حاکمیت و دسته‌بندی‌های جناحی آن مایه‌ی این افشاگری‌ها و کشمکش و درگیری‌های اجتناب‌ناپذیر و خردکننده علیه هم شده است، یک واقعیت بسیار ساده است. مردم ایران، طبقه کارگر و زنان و جامعه تشنه «رفاه، آزادی و عدالت» حکم به رفتن کل جمهوری اسلامی داده است! مینا و محتوای این جنگ داخلی و این نوع «افشاگری»های قسطی علیه هم در حکومت ارتجاع اسلامی، بازتاب

تکاپوی نظامی است که در مقابل حکم تاریخی مردم، در مقابل عرض اندام جنبش کارگری با آلت‌ناتیو «اداره شورایی جامعه»، سپر انداخته است. ایران بیش از این برای جمهوری اسلامی و برای کل بورژوازی به شیوه‌های تاکتونی قابل حکومت کردن و ارباب نیست. جنگ و جدال امروز در بالای حاکمیت، ریزش درونی و فاصله گرفتن لایه‌ها و عناصری از حاکمیت در آن و ... همه و همه انعکاسی از فشار توده قدرتمند مردم از پایین است. فشاری که بساط لفت و لیس و دیکتاتوری طبقه حاکم با تمام جناح‌ها و بلوک‌بندی‌های آن را نشانه گرفته است.

ترس تمام جناح‌ها و کل حاکمیت بجاست؛ این کابوس خیزش سراسری مردم ایران است که اینها را به جان هم انداخته است؛ مردمی که در میدان‌اند، مردمی که مبارزه و مقاومت‌شان را به اهرم نیرومند طبقه کارگر و آلت‌ناتیو حکومت شورایی متکی کرده‌اند! تا روز سقوط این نظام و جشن پیروزی مردم، این جماعت بارها «وحدت» خواهند کرد و باز به جان هم خواهند افتاد و همدیگر را افشاء خواهند کرد. «اهلی» خواهند شد و باز شمشیر از رو خواهند بست. در پیشگاه مردم، گرگ در لباس میش خواهند شد و باز التماس خواهند کرد. این داستان زندگی همه حکومت‌هایی است که شمارش معکوس عمرشان آغاز شده است.

شاکیان واقعی شکنجه، اعدام، تیرباران و جنبش دادخواهی از صدها هزار اعدامی و صدها هزار انسان در بند و شکنجه شده، نه جانین دیروزی و «اپوزیسیون» شده امروزی، نه کسانیکه به نام دادخواهی از قربانیان چهل سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، که قصد کرده‌اند حاکمیت را از زیر ضرب جنبش توده‌ای برای سرنگونی نجات بدهند، بلکه میلیون‌ها انسان آزاده و شریف در ایران‌اند که روزانه تحقیق، بی‌حرمتی، فقر و استبداد و چماق‌گردانی اوپاش رژیم را تجربه کرده‌اند، طبقه کارگری است که نمایندگان‌شان شکنجه شده و اعتراضات‌شان به خون کشیده شده است، زنانی‌اند که به جرم مقاومت در برابر قوانین اسلامی و آپارتاید جنسی سخیفانه‌ترین اهانت‌ها و تعرض‌های جسمی و روانی را تحمل کردند. گروه «عدالت‌علی» و سوءاستفاده از صحنه‌های دلخراش زندانیان در زندان اوین برای تسویه حساب جناحی و باز کردن جایی در میان اپوزیسیون راست فقط و فقط وضعیت فلاکت بار نظام را نشان می‌دهد. دور نیست روزی که درب زندان‌ها توسط مردم آزادیخواه ایران گشوده شود. دور نیست روزی که شوراهای مردمی قدرت را تصرف کنند و عاملین و آمرین چهل سال مهندسی فقر، فلاکت، استبداد و قساوت را در دادگاه‌های عادلانه مردمی و با حضور میلیون‌ها شاکی به محاکمه بکشانند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)  
۲۶ اوت ۲۰۲۱

نیست را، برای قدرت‌گیری طبقه کارگر و در راس آن حزب اش را، حزب ما را، میتواند سرعت عملی کند. ما به انتخاب آگاهانه مردم اعتقاد داریم و فکر میکنیم ما کمونیستها همیشه در چنین شرایطی بیشترین شانس را داریم چون ما نماینده آمال و آرزوهای اکثریت مردمی هستیم که همین امروز برای رفاه و آزادی و امنیت تلاش میکنند. همیشه جنبشهایی که برای رفاه و آزادی بوده اند چپ و کمونیسم را انتخاب کرده اند از این نظر برخلاف نیروهای راست که با وعده‌های ناروشن و شعارهای بی محتوا روی استیصال یا توهم یا ... مردم سرمایه‌گذاری میکنند، ما با برنامه و سیاست روشن خودمان روی خودآگاهی مردم سرمایه‌گذاری میکنیم و به همین دلیل شانس خودمان را بالا میبینیم. به همین دلیل و دقیقاً چون میخواهیم یک پای قدرت سیاسی در ایران باشیم، مینای جامعه مورد نظر خودمان از ساختار حکومت شورایی، تسلیح توده‌ای تا حق زن، رفاه، آزادی و ... را به روشنی رو به مردم اعلام کردیم تا آنرا قضاوت کنند و آنرا با برنامه، تصویر نیروهای راست، مقایسه کنند. میخواهیم مردم آن را با برنامه‌های راست که غالباً یا ناروشن و مبهم اند و یا چنان در زورق ادعاها و حرف‌های بزرگ و برای پنهان کردن اقدامات ناچیز دولتهای «خدمتگزار» شان برای «خدمت به مردم» پیچیده است، کسی به سختی بتواند تصویری از سیمای جامعه‌ای که وعده میدهند و جایگاه خود در آن را ببیند. میخواهیم جامعه و مردم حکومت شورایی و دخالت مستقیم خود در قدرت، تصمیم‌گیری و دمکراسی شورایی و مستقیم را با دمکراسی پارلمانی مقایسه کنند و از حالا انتخاب کنند. ما از امروز زمینه انتخاب شدن خودمان در شوراهای مردم را آماده میکنیم و خود را بعنوان آلت‌ناتیو قابل انتخاب در مقابل مردم قرار میدهیم. از همه احزاب، راست و چپ و سازمان‌ها و شخصیت‌ها و .. میخواهیم همین کار را بکنند!

از حکمتیست میپرسند...

سرانجام تصمیم میگیرند و تصمیمات شان را به اجرا میگذارند. فردای به قدرت رسیدن شوراهای هم به همین شکل قانون‌گذاری میکنند و قوانین را به اجرا می‌گذارند.

«دمکراسی پارلمانی» آرزو نیست و آرزو نبود! و جهانیان امروز در مهد دمکراسی‌های غربی بی قدرتی مردمی که یک روز به نام آنها عراق و افغانستان بمباران میشود و بیمه بیکاری قطع و مسکن و مداوا مردم از دسترس دور میشود و روز دیگر باز بنام منافع آنها طالبان به قدرت از قدرت ساقط و باز به قدرت می‌رسد و ... را به عیان می‌بینند! می‌بینند که صندوق‌های رای‌ی که هر چند سال برپا میشود تا بنام آنها برای ضدمردمی‌ترین سیاست‌ها و حکومت‌ها، مشروعیت و مقبولیت قانونی کسب شود، تا چه اندازه سر سوزنی انعکاس منافع مردم، آمال و آرزوهای آنها، انعکاس تمایلات قلبی بشریتی که خواست عدالت اجتماعی با رگ و ریشه اش درهم تنیده شده است، نیست! قریب یک قرن است «دمکراسی» پارلمانی را بعنوان قله رفیع «آزادیخواهی تاریخی بشریت» به خورد جهان تشنه آزادی داده‌اند. قله‌ای که امروز جهانیان محصولات قرن بیست و بیست و یکم آن را از دریچه فاجعه عروج مجدد طالبان در افغانستان و صندوق‌های رای در عراق و لیبی و پاکستان، عروج پلتسین‌ها و ترامپ‌ها، می‌بینند.

این طرح را باید در مقابل همه طرح‌ها و نقشه‌ها و برنامه‌های کمپ راست، که بر عدم دخالت متحد و متشکل و آگاهانه مردم متکی است گذاشت، تا عمق و دامنه دمکراتیک بودن، آزادیخواهانه و متمدنانه بودن آن را دید. کعبه «دمکراسی پارلمانی» بر باد رفته است! اما در ایران قدرت مردمی در حال عروج است که تحقق طرح ما را، یعنی شکل دادن به یک «دمکراسی شورایی» به یک دمکراسی مستقیم، که آنهم آرزو نبود و



این جنایت بی جواب نخواهد ماند...

امروز در منطقه میلیونها نفر در خاورمیانه آن را «زندگی» میکنند. سیاست نظم نوین جهانی، حمله به عراق به بهانه دستیابی صدام به سلاح های کشتار جمعی و بمبارانهای مداوم و با خاک یکسان کردن شهرهای عراق و هدیه «دمکراسی» به مردم بیگناه عراق، «دخالت بشردوستانه» در سوریه، «کمک به انقلاب» در لیبی و ... همه و همه امروز تکه هایی از پازلی است که مردم جهان در مقابل خود گذاشته و عمق عفونت و گندیدگی سیاست های دولتهای «متمدن» غربی و در راس آن آمریکا را یکبار دیگر مرور میکنند. مردمی که در هر دوره علیه این سیاستها، علیه راه انداختن حمام خون در خاورمیانه و افریقا ایستادند و نه گفتند، این بار خشمگین تر بدنبال راه حل های بنیادین تر میگردند! اگر تصرف دولت توسط طالبان طبق نقشه و توافقات از پیشی میان آمریکا و طالبان پیش میرفت، اگر دولت و ارتش پوشالی افغانستان ذره ای مقاومت میکرد و پروسه دست بدست شدن قدرت را کمی کش میداد و تحویل دادن کابل را نه چند دقیقه ای که چند ماهه میکرد و فرصتی به آمریکا و اروپا برای بیرون بردن کامل نیرو و افراد خود میداد، علیرغم کشتار مردم بیگناه افغانستان، علیرغم آوارگی صدها هزار نفر، علیرغم تحمیل دوباره قوانین سیاه اسلامی به زندگی زنان و بیحقوق کردن کامل آنها از حق زندگی اجتماعی، غرب آماده بود «طالبان معتدل» و «رام شده» را بدون کمترین تردیدی بعنوان دولت مشروع افغانستان به رسمیت بشناسد و تعهد آن به «بی آزاری» برای غرب را برای قبول آن در «جامعه بین المللی» کافی بداند. در این سناریو، میخواستند همچون سنت تاریخی شان، فجایع فرار چند صدهزار نفر از افغانستان و ویرانی زندگی میلیونها نفر را زیر انبوهی از تبلیغات، که گویا دولت موزائیکی دیگری و این بار با حضور و هژمونی طالبان «انتخاب» مردم افغانستان است، مخفی کنند و مدال «عقب راندن تروریسم اسلامی» را به سینه زده و نقشه ویران کردن زندگی مردم در نقطه دیگری از جهان را برای تقسیم قدرت میان خود بکشند! اما تسلیم شدن دو روزه کابل و فرار رئیس جمهور تربیت شده در مکتب «دمکراسی غربی»، ابعاد وسیع این شکست، هراس همراه با خشم و نفرت فراریان، و بالاخره مقاومت مردم آزادیخواه و در راس آنان زنان در افغانستان، اعتراضات وسیع مردم شرافتمند در چهار قاره، اجازه نداد این سناریو در بسته بندی شیک «معضلات داخلی»، «دست بدست مسالمت آمیز شدن قدرت» به مردم قالب شود و مسببین و عاملین چند دهه جنگ، کشتار و آوارگی بعنوان ناجیان مردم افغانستان مدال پیروزی را به خود بدهند. اجازه نداد دولتهایی که مپ افکنهایشان در مدت یک چشم بهم زدن زندگی صدها هزار نفر را نابود کردند و امروز برای پناه دادن فراریان از جهنم دست سازشان استخاره میکنند، بعنوان ناجی قربانیان «عقب ماندگی فرهنگی و سیاسی»، قربانیان «انتخاب نا اصلاح» خود، ناجی حقوق انسانی قربانیان سیاستهای ارتجاعی خود، عرض اندام کنند. امروز مردم جهان با چشمان خود می بینند که طالبان و اوباش آن همانقدر منتخب مردم افغانستان اند که هیتلر و اس اس ها منتخب مردم لهستان و فرانسه و ایتالیا بودند. افغانستان امروز اما با افغانستان دوره جنگ سرد و دوره حکومت طالبان متفاوت است. طبقه کارگر و زنان و مردان آزادیخواهی که دخالت قدرتهای امپریالیستی از روسیه تا آمریکا، حاکمیت اسلام سیاسی و نیروهای متوحش و قرون وسطایی آن را به قیمت چند صدهزار کشته، چند میلیون آواره، نابودی مدنیت و زندگی در این کشور را تجربه کرده اند، جامعه ای که زخم عمیق پیام آوران «دمکراسی»، «حقوق بشر»، «جهان آزاد» و «دخالت بشردوستانه» را بر پیکر خود دارد، علیه مسببین این جنایت می ایستد و خود را برای مقاومت و مقابله با دولت طالبان و حامیان بین المللی اش، آماده میکنند. صدای پای این مقاومت را در اعتراض نسلی که به چیزی کمتر از حقوق انسانی و جهانشمول خود رضایت نمیدهد و ترهات «فرهنگ بومی اسلامی» مردم خاورمیانه نزدشان پیشیزی ارزش ندارد، در صدای رسای زنان شجاعی که اعلام میکنند تن به حقارت زیر سطله طالبان نخواهند داد، زنانی که همین امروز کیفرخواست جامعه ویران شده افغانستان را به گوش جهانیان میرسانند، میتوان شنید! مردم افغانستان خود را برای جدال بر سر آزادی و آینده انسانی آماده میکنند. در این سیر چاره ای جز از سر راه برداشتن طالبان و داعش و جهادی و .. این نوادگان و فرزندان «ناخلف» ناتو و بوزروازی غرب، ندارند! در این راه مردم افغانستان حمایت سراسری بشریت متمدن را با خود دارد.

# March in solidarity with people in Afghanistan

Saturday 28th August 2021  
12 PM

Marble Arch, W1H 7EJ, London

For further info: 07488868466  
London Committee  
Hekmatist Party (Official Line)

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)  
Worker-communist Party Hekmatist  
hekmatist.com

## فراخوان تجمع

در همبستگی با مبارزات  
مردم افغانستان علیه طالبان

شنبه 28 آگوست ساعت 14:00

در میدان یون توریت

نشکلیات گوننبرگ

حزب حکمتیست (خط رسمی)

تلفن تماس: 079241383

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)  
Worker-communist Party Hekmatist  
hekmatist.com

# نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی

## مردم آزادیخواه!

برای پیشروی و پیروزی باید فوری در ارگانهای اعمال اراده خود، متحد شوید!

در محل کار و محل زندگی، در شوراهای کارگری و مردمی، یا هر نهاد و ارگان و سازمان و شکلی که دخالت متحدانه و مستقیم شما از بطن جامعه را تضمین کند، متحد شوید!

باید اداره امور را در محله، شهر و در همه مشاغل جامعه، بدست گرفت!

باید حاکمان مرتجع و نالایق، این حامیان نظام فقر، سود و استثمار را که نه توان و نه خواست برآورده کردن ابتدایی ترین خواستههای شما را ندارد، مرخص کرد و کنترل زندگی خود را بدست گرفت.

حاکمیتی در کار نیست! باید مردم متشکل در شوراها حاکمیت کنند. برای دستیابی به «آزادی، رفاه، حکومت شورایی»، همین امروز، و فوراً دست به کار شوید!

## کارنامه سیاه ناسیونالیسم کرد

### در تقابل با آزادیخواهی



انتشارات حزب حکمتیست (خط رسمی)

این وکلای دادگستری که در دفتر انجمن حمایت از حقوق شهروندی در تهران بازداشت شده‌اند در حال بررسی تقصیر و قصور خامنه‌ای و مقامات دولتی از جمله وزیر بهداشت در ارتباط با بحران کرونا بودند تا بدین ترتیب بتوانند شکواییه‌های علیه مقامات حکومت به ثبت برسانند. این وکلا قصد داشتند که نشان دهند که چطور خامنه‌ای و عمله و اگره این نظام، حقوق میلیونها انسان را مورد تهدید قرار داده و به خاطر دستوراتی که در ارتباط با مدیریت کرونا صادر کرده اند، رسماً و عملاً هزاران نفر را تاکنون قربانی کرده اند. «مقام معظم» با صدور فتوا و دخالت در موضوع تهیه واکسن کرونا، بهداشت عمومی را در معرض خطر جدی قرار داده و بدین ترتیب، مجرم شناخته شده است.

برخورد حاکمیت به شکواییه این وکلا چه بود؟ گسیل دستگاه توطئه، پرونده سازی و سرکوب جهت بازداشت و بستن دهان وکلای مربوطه بوده است. این بکیر ببندها اما خیری برای این نظام ندارد. کمتر شهروندی در ایران امروز سراغ داریم که این نمایش علنی تعرض حکومت اسلامی را با صفاتی چون «مذبوحانه»، «از سر استیصال»، «تیر آخر ترکش» و «چاشنی یک انفجار اجتماعی» توصیف نکند. دستگیری وکلای مربوطه کمکی به ثبات این نظام نمیکند. برعکس، آتش انزجار بیکران دهها میلیون کارگر و مردم کارد به استخوان رسیده را شعله ورتی می‌کند. خودشان میگویند که دارند «طعمه گرگها» میشوند!

واقعیت اینست که شکایت وکلا و کیفرخواست شان علیه سران این نظام، گوشه ای از اعمال اراده مردم را به تصویر میکشد و به مبارزات هر روزه و هر دقیقه مردم ایران برای «معیشت، رفاه و آزادی»، رنگی از هیجان و پیشروی میدهد. این اقدام بر متن شرایط سیاسی ویژه ای در ایران امروز صورت میگیرد که جمهوری اسلامی در برابر سنبه پر زور اعتراضات و اعتصابات قدرتمند کارگری و مردمی، سپر انداخته است. جنبشی که برای به زمین زدن جمهوری اسلامی با قدرت توده ای از پایین و با اتکا به نطفه های آرتزاتیو «اداره شورایی جامعه» عرض اندام کرده است، تا هم اکنون اعتماد به نفس تمام بخشها و لایه های جامعه را بالا برده است؛ جنبشی که با مقاومت خود در طول چهل سال گذشته، آشکار و پنهان، تن به ندیای مردگان این نظام و قوانین منحوس اسلامی آن نداده است؛ جنبشی که پیشروترین قوانین، دادگاه ها و وکلای جسور خود را قبل از آغاز طوفان علیه ارکان جمهوری اسلامی، متولد کرده است و با قامت کشیده خود به نبرد آشکار با مسببین نالیمنی و بی ثباتی در جامعه ایران آمده است.

تا پیش از عروج جنبش اداره شورایی جامعه و قطبی شدن سیاست در فضای ایران با حضور قدرتمند طبقه کارگر، چه کسی جرات میکرد که پای «شاه» مملکت یا «مقام معظم» نظام را به جرم جنایت علیه شهروندان به دادگاه بکشاند؟! چه کسی جسارت میکرد که آشکارا و در ملاء عام انگشت اتهام را به سوی «ولی فقیه» دراز کند و «آقا» را مجرم قلمداد کند؟! چه کسی در مخیله اش حتی میتوانست برای یک دم تصور کند که قدرت مطلق و روح مافوق جامعه، روز روشن در مقابل چشم میلیونها شهروند بازخواست شود؟! امروز بر شانه های حضور بلقوه و بلغعل طبقه کارگر و آرتزاتیو «اداره شورایی جامعه»، برای اولین بار بعد از چهل سال رهبران، آرتزاتوره‌های سوسیالیست، فعالان مدنی و پرشور جامعه ای آزاد و برابر، جسارت کرده اند که مامور خدا و نظامش روی زمین را بر صندلی اتهام بنشانند! شخصیت های مردمی و خوشنامی که در سایه جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، با رویش جوانه های جنبش شورایی، مشروعیت «رهبر» یک نظام تا بیخ دندان آدمکش و مرده پرست را رسمی و قانونی به زیر سوال برده اند.

تمام شواهد حاکی است که روند چگونگی محکمه و محاکمه سران ریز و درشت این نظام به جرم چهار دهه جنایت علیه بشریت، قبل از بزرگکشدن این نظام در حال تکوین است؛ دادگاه های مشروع مردمی، قوانین و مصوباتی که باید از هم اکنون در قبال سردمداران این نظام و از دل شوراهای مردمی اتخاذ شوند، تدوین شده است. شوراهایی که رهبران سوسیالیست و پرشور آن، جان و تنشان از عزمی راسخ آکنده است. آنها که از نشیب تند سرنوشتی بلند بالا می روند، آنها که آگاهانه به سوی آزادی و برابری راه می سپرند و روز و شب، پیوسته در فکر خویش یا وظیفه ای بزرگ دارند یا عشقی بزرگ به انسانیت، به عدالت و زندگی! این آن جنبش نیرومندی است که مرز میان خواب و بیداری، و واقعیت و تخیل را از میان برداشته است. چکیده اهداف و ادعاینامه ستگ این جنبش در آرتزاتیو «کنگره سراسری شوراهای مردمی» در ایران از هم اکنون و قبل از شروع طوفان به اهتزاز درآمده است. طوفان طبقه کارگری که می‌رود که منطق واقعی زندگی آدمی در جهنم وارونه سرمایه داری را بر قاعده اصلی اش بنشانند!



## قتل‌های ناموسی و مردسالارانه در کردستان

قتل صبری نعلبندی توسط همسرش در شامگاه شنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۰ یکی از فجیع‌ترین قتل‌های ناموسی است. صبری توسط همسرش به قتل می‌رسد و زنده در آتش سوزانده می‌شود. قاتل فقط به دلیل مرد بودن اینچنین حق به جانب و با قساوت دست به این جنایت زده است. این قتل با وجود قوانین اصل حجری و مردسالارانه و بازتولید آن از طرف سیستم حاکم قطعا اولین و آخرین نمی‌باشد.

این حقیقت دارد! قتل عام جاری در این جامعه علیه زنان، که هر روزه خبر یکی میرسد، عوامل متعددی دارد. فقر، استبداد سیاسی، قوانین اسلامی دوران جهالت بشر که توسط نظام حاکم جاری و بازتولید می‌شود. فرهنگ قبیله ای و عشایری و آبا و اجدادی دوران جهالت بشر که توسط احزاب و جریان‌های متعدد و رنگارنگ ناسیونالیست در جامعه پمپاژ میشود و توسط روشنفکران تاریک فکری که زیر پوشش دفاع از فرهنگ «خلق‌ها» صیانت میشود، فاکتورهای اصلی دخیل در کشتار زنان اند. باید در مقابل تحمیل این سنت‌های اصل حجری و پوسیده سنگربندی کرد. شروع این سنگربندی، گلایه از حاکمان و افشاگری نیست، شروع این کار، حتی روشنگری نیست، کلید شروع این کار از طریق سازماندهی جمع‌ها و گروه‌های مدافع حق زن است. سازماندهی نهادهای توده ای برای به میدان آوردن اراده کل جامعه علیه این جهنم رنگارنگ است. سازماندهی همه آن زنان و مردانی است که همین امروز، فراوان اند. چنین کاری، فقط و فقط دست کمونیست‌ها و آزادیخواهان و مبارزینی را می‌بوسد که به عنوان صاحب جامعه ظاهر شده و برای سنگربندی در مقابل این توحش، در محلات زندگی و محل کار، به سازماندهی دست بزنند. برای کسانی که قصد تسلیم شدن ندارند، این تنها راه است و بس!

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن ابراز همدردی و محکوم کردن این جنایت، به کمونیست‌ها، آزادیخواهان و مردم مبارز کردستان فراخوان می‌دهد که این تعرض افسارگسیخته سنن پوسیده و مردسالارانه را علیه زنان سد کنند. دفتر کردستان برای سنگربندی و ایجاد سدی محکم در برابر تعرض سیستماتیک حاکمیت به زنان با ابزار مذهب، مردسالاری و بازتولید سنن پوسیده در کنار و در سنگر همه کمونیست‌ها و آزادیخواهان کردستان خواهد بود. باید جامعه را برای زنان امن کرد و این امنیت را با قدرت اجتماعی در محلات کار و زندگی برای زنان تضمین کرد!

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۴ اوت ۲۰۲۱

## توطئه جمهوری اسلامی علیه اپوزیسیون مستقر در اقلیم کردستان محکوم است!

طبق اطلاعیه حزب کمونیست کارگری کردستان، علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، در ملاقات با وزیر خارجه عراق در ۱۱ اوت، خواستار اخراج سازمانهای اپوزیسیون مستقر در اقلیم کردستان عراق شده است.

هدف جمهوری اسلامی استفاده از «فرصت مناسب» عقب نشینی امریکا از افغانستان و تأثیرات آن بر منطقه، برای فشار به اپوزیسیون ایرانی مستقر در کردستان عراق است. هدف اصلی رژیم اسلامی اما در اساس، نه عقب راندن احزاب مستقر در خارج کشور، که آن دشمن اصلی مستقر در داخل کشور، در تهران و مشهد و اصفهان و تبریز و... است. ترورها و آدم ربایی‌های سال‌های اخیر از میان اپوزیسیون، همین هدف اصلی را نشانه گرفته است. جمهوری اسلامی ناتوان از مقابله با مردمی که برای به زیر کشیدن آن به میدان آمده اند، ناتوان از سرکوب کارگر، زن و مرد معترض و آزادیخواه در جامعه تلاش میکند با اتکا به متحدین مرتجع خود در منطقه، با اتکا به آدم ربایی و ترور مخالفین سیاسی و توطئه علیه نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور «قدرت» برپا داشته خود را به دشمن اصلی خود در داخل ایران نشان دهد. تلاش میکند شکست خود در مقابل نفرت و خشم میلیونی مردم در ایران، در مقابل طبقه کارگر و مردمی که تصمیم به جارو کردن شان گرفته اند، با توطئه‌های حیوانانه در خارج کشور جبران کند.

دفتر کردستان حزب، ضمن محکوم کردن هرگونه توطئه علیه اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق، حاکمان اقلیم کردستان عراق را مسئول تأمین امنیت این احزاب دانسته و هرگونه توطئه مشترک با رژیم اسلامی علیه امنیت آنها را محکوم می‌کند. دولت اقلیم باید بداند که گره زدن سرنوشت خود به سرنوشت این نظام رفتنی، در پیشگاه مردم ایران، محکوم است.

جواب طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در ایران به توطئه‌های بی‌غیر جمهوری اسلامی، تقویت صفوف خویش برای پایان دادن به حاکمیت سیاه اسلامی، سازماندهی شوراهای مردمی در محل کار و زیست و تأمین یک آترناتیو قدرتمند برای جایگزینی این نظام جهمی، است.

در جواب به تلاش‌های زبونانه جمهوری اسلامی و متحدین مرتجع آن، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه خود را برای بدست گرفتن سرنوشت خود، برای ساختن حکومت برآمده از اراده مستقیم خود، حکومت شوراهای مردم، آماده میکنند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۴ اوت ۲۰۲۱

**در محل کار و محل زندگی، در شوراهای کارگری و مردمی، یا هر نهاد و ارگان و سازمان و شکلی که دخالت متحدانه و مستقیم شما از بطن جامعه را تضمین کند، متحد شوید!**

**قدرت طبقه کارگر  
در اتحاد و تشکله اوست!**

**مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید**

hekmatist.com



صدای آزادی، صدای برابری

## تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

## حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

## مردم آزادیخواه!

طغیان میلیونی و متحدانه شما علیه بی‌آبی و بی‌برقی، گرانی و بیکاری، فقر و فساد و بی‌مسئولیتی انگل‌های در حاکمیت، اعتراض به دهها و دهها درد درمان نشده جامعه هشتاد میلیونی به فقر و فلاکت کشیده شده ایران، باید به پیروزی برسد!

برای پیشروی و پیروزی باید فوری در ارگانهای اعمال اراده خود، متحد شوید!

در محل کار و محل زندگی، در شوراهای کارگری و مردمی، یا هر نهاد و ارگان و سازمان و شکلی که دخالت متحدانه و مستقیم شما از بطن جامعه را تضمین کند، متحد شوید!

باید اداره امور را در محله، شهر و در همه مشاغل جامعه، بدست گرفت!

باید حاکمان مرتجع و نالایق، این حامیان نظام فقر، سود و استثمار را که نه توان و نه خواست برآورده کردن ابتدایی ترین خواسته‌های شما را ندارد، مرخص کرد و کنترل زندگی خود را بدست گرفت.

حاکمیتی در کار نیست! باید مردم متشکل در شوراها حاکمیت کنند. برای دستیابی به «آزادی، رفاه، حکومت شورایی»، همین امروز، و فوراً دست به کار شوید!

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!